

ضعف و انحطاط عباسیان

مقدمه

خلافت عباسی پس از پیدایش، حدود یک قرن، از نوعی اقتدار و پیشرفت برخوردار بود؛ هر چند در این مدت نیز با حوادث گوناگون مواجه گشت. اما پس از حکومت مأمون، رفته رفته ضعف و سستی بر آن مستولی شد. در قرن چهارم نیز آل بویه بر خلفای عباسی غلبه یافتند. پس از آل بویه نیز غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان، حکومت‌های ترک‌نژادی بودند که عباسیان ناچار از تعامل با آنان شدند و در نهایت، حملات مغولان - و به ویژه هلاکوخان - طومار بنی‌عباس را در هم پیچید. در این درس، وضعیت خلافت عباسی در این دوره را بررسی می‌کنیم.

دوره‌های خلافت عباسی

پژوهشگران، دورهٔ بیش از پانصد سال خلافت عباسی را به چهار دوره تقسیم کرده‌اند:

۱- دوران نیرومندی و گسترش (۲۳۲ -

۱۳۲ق): این دوران، با خلافت سفاح در سال ۱۳۲ق آغاز شد و تا پایان خلافت واثق در سال ۲۳۲ق - به مدت صد سال - ادامه داشت. ویژگی این دوران، نیرومندی خلافت، استقلال آن و متمرکز بودن قدرت سیاسی و نظامی در دست خلفا بود. خلفا در این دوره، توانستند بر شورش‌ها غالب آیند و به هر طریق ممکن، حاکمیت، اقتدار و استقلال خلافت عباسی را حفظ نمایند. در این دوران، ایرانیان، از جایگاه برجسته‌ای در حکومت

برخوردار شدند و نفوذ آنان، تأثیر زیادی در سیاست‌های خلفا داشت. در این دوره، سپاهیان نیز تحت فرمان خلیفهٔ عباسی بودند. در درس‌های قبل، این دوره را بررسی کردیم.

۲- دوران نفوذ ترکان (۳۳۴-۲۳۲ق): این

دوران، با خلافت متوکل آغاز شد و در خلال دوران مُستکفی پایان پذیرفت. ویژگی این دوره، ضعف خلافت و قدرت دخالت و نفوذ بالای ترکان در تصمیم‌گیری‌ها بود.

۳- دوران نفوذ آل بویه (۴۴۷-۳۳۴ق):

این دوران در زمان خلافت مستکفی آغاز و در زمان خلافت قائم پایان یافت. ویژگی این دوران، سیطرهٔ آل بویه

بر حکومت عباسی است.

۴- دوران نفوذ سلجوقیان (۶۵۶-۴۴۷ق):

به او بسپارد. ترکان، رفته رفته، بر دارالخلافه مسلط شدند و قدرت خود را در مناطق مختلف گسترده کردند. آنان همچنین موفق شدند در عزل و نصب خلفای عباسی، نقش جدی داشته باشند؛ به عنوان مثال، پس از مرگ واثق در سال ۲۳۲ق، بر اثر اصرار صاحب منصبان ترک، «جعفر بن معتصم» - معروف به متوکل - به خلافت رسید، و این در حالی بود که بزرگان عباسی و وزرا، «محمد بن واثق» را برای جانشینی پدرش در نظر گرفته بودند.

این دوران، در زمان خلافت قائم عباسی آغاز و با قتل مستعصم به دست هلاکو خان مغول پایان یافت و با پایان این دوران، دوران حاکمیت بنی عباس نیز به انتها رسید. ویژگی این دوران، انتقال قدرت واقعی به ترکان سلجوقی است که در مناطق مرکزی و غربی ایران حاکم بودند. البته میزان وابستگی خلفای عباسی به سلجوقیان در زمان همه خلفای این دوره یکسان نبود.

دوران سلطه ترکان بر دستگاه خلافت

پس از این نیز ترکان، نقش تعیین کننده ای در تصمیمات و سیاست های خلفای عباسی داشتند و در صورتی که روش این خلفا به مذاق آنان خوش نمی آمد در صدد قتل یا عزل او بر می آمدند؛ به عنوان مثال، آنان با پسر متوکل - یعنی منتصر - همدست شدند و متوکل را در کاخ خود، در سال ۲۴۷ق به قتل رساندند. منتصر نیز چون تلاش کرد تابع و پیرو ترکان نباشد پس از چند ماه خلافت، توسط طیب دربار مسموم شد! خلفای بعدی نیز سرنوشتی بهتر از این نداشتند. چنان که چند تن از آنان به دست ترکان کشته و عزل شدند.^۲ پس از مهدی، ترکان با «احمد بن متوکل» بیعت کردند و به او لقب «معتد» دادند. در دوره معتد،^۳ برادرش - موفق - تا حدی از نفوذ ترکان کاست. این روند در دوره خلیفه بعدی، یعنی معتضد^۴ نیز ادامه یافت. از این دوره به بعد، تا غلبه آل بویه، هر چند ترکان همچنان بر مناصب حکومتی سیطره داشتند، اما اختلافات و رقابت بین خود آنها، اسباب ضعف بیشتر آنان را در اداره امور فراهم ساخت.

سابقه حضور ترکان در دربار عباسی به زمانی باز می گردد که کارگزاران خلفای عباسی، از ماوراءالنهر و ترکستان، غلامان و بردگان را به عنوان هدیه به دربار عباسی فرستادند! رفته رفته بر تعداد اینان افزوده شد تا آنکه در عصر معتصم، تعداد آنان در بغداد، از بیست هزار تن فراتر رفت، از این رو، معتصم پایتخت عباسی را از بغداد به سامرا منتقل کرد تا ترکان را در آنجا سکونت دهد.

معتصم اولین خلیفه ای است که علاقه ویژه ای به این ترکان بروز داد؛ زیرا مادرش ترک نژاد بود و به علت شجاعت و جنگاوری ترکان، از آنان برای حفاظت از خود بهره جست. او بعضی از آنها را به مناصب بالای حکومتی رساند.^۱ پس از معتصم در دوره واثق، ترکان جای پای خود را محکم تر کردند تا جایی که واثق ناچار شد به یکی از آنها، لقب «سلطان» دهد و مناصبی مهم

۱- از بارزترین این ترکان می توان به آشناس، ایتاخ، وُصیف، بُغا و سیمای دمشقی اشاره کرد.

۲- همچون: مستعین، معتز و مهدی.

۳- ۲۷۹-۲۵۶ق.

۴- ۲۸۹-۲۷۹ق.

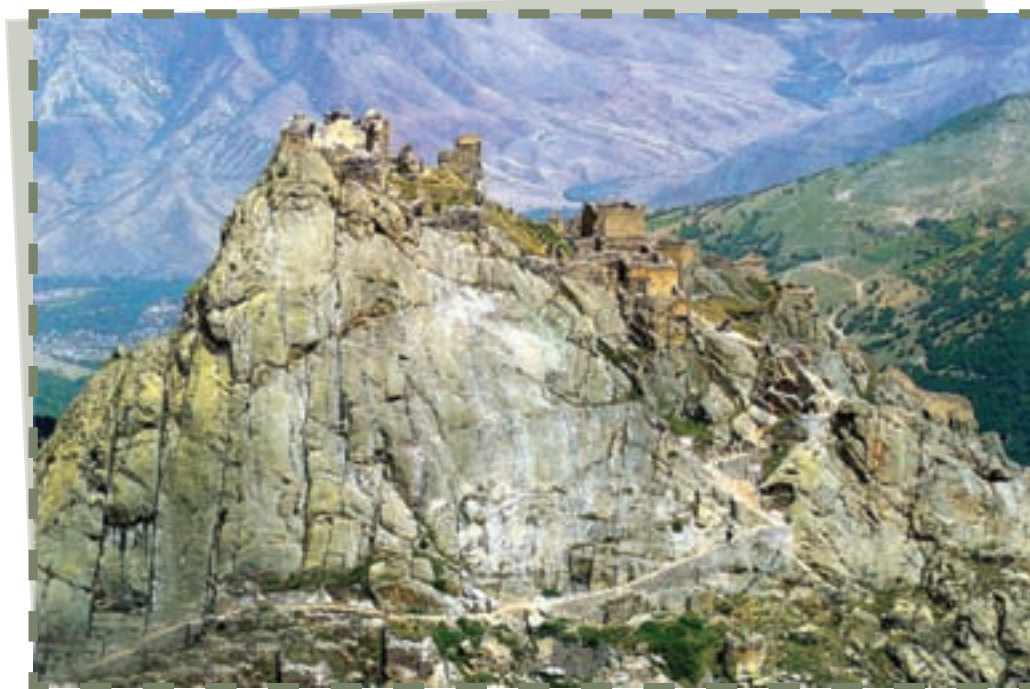
پیدایش قدرت جدیدی همچون آل بویه، موجب تغییر شرایط سیاسی حاکم بر دستگاه خلافت عباسی شد. با ورود آل بویه به بغداد در سال ۳۳۴ق و خروج ترکان، دوره تازه‌ای برای خلافت عباسی آغاز شد.

قیام‌ها و حکومت‌های متقارن با خلافت عباسی در قرن سوم

در قرن سوم هجری، در حالی که در مرکز خلافت عباسی، ترکان، خلافت را بازپخته خود ساخته بودند، در قلمرو حکومت عباسی، قیام‌ها و اعتراضاتی در جریان بود که بعضی از آن‌ها به تشکیل حکومت‌های مستقل یا نیمه مستقل انجامید. در اینجا با برخی از این حکومت‌ها و نیز قیام‌های غیر علوی آشنا می‌شوید.^۱

۱- قیام بابک خرّمَدین: خرّمَدینان کسانی

بودند که پس از قتل ابومسلم به دست منصور عباسی، بنای مخالفت با خلفای بنی‌عباس را در مناطق غربی و شمال غربی ایران گذاشتند. اینان عقاید آمیخته با باورهای زرتشتیان و بعضی باورهای دیگر داشتند. بابک خرّمَدین یکی از پیروان این آیین بود. قلمرو فعالیت او، نواحی آذربایجان و قفقاز بود. وی نزدیک به ۲۲ سال در برابر سپاهیان عباسی مقاومت کرد، اما از سپاهی که معتصم به فرماندهی سردار ایرانی - افشین - اعزام کرده بود، شکست خورد و به همراه برادرش دستگیر و در سال ۲۲۳ق در سامرا به قتل رسید. از آنجا که پیروان او، لباس سرخ رنگ می‌پوشیدند به سرخ جامگان معروف شدند. جنبش بابک خرّمَدین برضد ستمگری‌های بنی‌عباس بود، اما ریشه ملی‌گرایی داشت و باورهای غیر اسلامی بر آن حاکم بود.



قلعه بابک در ۵۰ کیلومتری شمال شهر اهر

۱- با قیام‌های علویان در درس هشتم آشنا می‌شوید.

۲- قیام مازیار: حکومت عباسی درگیر و دار قیام بابک در غرب دریای خزر، با حرکت مازیار بن قازن در طبرستان مواجه شد. وی پس از آنکه به دربار مأمون آمد و مسلمان شد، مأمون او را حاکم طبرستان و نواحی مجاور کرد. اما وی دارای گرایش‌های استقلال طلبانه بود و از نظر اعتقادی نیز تمایل به خرمینان داشت؛ از این رو، زمین‌های کشاورزی را از زمین‌داران گرفت و میان کشاورزان تقسیم کرد. پیروان او نیز از سرخ‌جامگان بودند. این حرکت نیز در سال ۲۲۴ ق توسط معتصم سرکوب شد و مازیار به فرمان معتصم کشته شد و جسدش در سامرا، کنار جسد بابک به دار آویخته شد.

۳- قیام افشین: وی یکی از فرماندهان ترک بود که نقش مهمی در شکست دادن بابک خرمین و دستگیری او داشت. اما به علت داعیه استقلال طلبی، تلاش کرد تا جمعیتی را جذب کند و پس از قیام، حکومتی

را در اُشروسنه تأسیس نماید. اما توطئه او فاش شد و خودش دستگیر و زندانی گشت و در سال ۲۲۷ ق در زندان مُرد، سپس جسدش به دار آویخته و سوزانده شد.

۴- قیام زنگیان: این حرکت، در سال ۲۲۵ ق آغاز شد. رهبر قیام، یک ایرانی به نام علی بن محمد بود.^۱ وی در آغاز، به عنوان شاعر، در دربار عباسی در سامرا مشغول به کار شد. سپس در بحرین قیام کرد و با ادعای علوی بودن، تلاش کرد علویان را به خود جذب کند. اما موفق نشد. او توانست با طرح نابرابری‌های اجتماعی که نسبت به بردگان اعمال می‌شد و با وعده بهبود اوضاع آنان، از یاری آن‌ها استفاده کند و بر بخش وسیعی از سرزمین‌های جنوب عراق در حد فاصل بصره، اهواز و واسط تسلط یابد. حرکت او، همراه با بی‌رحمی و خشونت نسبت به مردم بود و سرانجام به وسیله موفق - برادر خلیفه، معتمد عباسی - سرکوب و کشته شد.^۲

فکر کنید و پاسخ دهید

به نظر شما نقاط مشترک و متمایز این قیام‌ها در چیست؟

تشکیل حکومت‌های مستقل و نیمه مستقل
ضعف خلافت عباسی و نفوذ ترکان در سده سوم هجری، راه را برای دعاوی استقلال طلبانه و تشکیل حکومت‌های مستقل از بنی‌عباس فراهم ساخت که در ادامه، به معرفی اجمالی آن‌ها می‌پردازیم:

۱- طاهریان (۲۵۹ - ۲۰۵ ق): مؤسس این حکومت، طاهر بن حسین بود. وی از جمله فرماندهان مأمون بود که در سال ۲۰۵ ق به فرمان مأمون حاکم خراسان شد. وی پس از آن تلاش کرد حکومتی مستقل از عباسیان، به مرکزیت نیشابور تشکیل دهد و به این کار

۱- وی اهل یکی از روستاهای ری بود.

۲- این حرکت به مدت ده سال (۲۶۵ - ۲۵۵ ق) طول کشید.

نیز اقدام کرد و در ۲۰۷ ق مأمون را از خلافت خلع و لباس سیاه را که نماد بنی‌عباس بود کنار نهاد. اما وی به‌طور ناگهانی در گذشت و جانشینان او با درپیش گرفتن سیاست همکاری با خلافت عباسی، تا سال ۲۵۹ ق دوام داشتند. انقراض آنان به دست یعقوب بن لیث صفاری صورت گرفت. در طول ۵۴ سال حاکمیت طاهریان، پنج تن از آنان به حکومت دست یافتند.



قلبرو فرمان‌روایی طاهریان

نام امیر	هجری	میلادی
طاهر ذوالیمینین	۲۰۵	۸۲۰
طلحه	۲۰۷	۸۲۲
عبدالله	۲۱۳	۸۲۸
طاهر دوم	۲۳۰	۸۴۴
محمد	۲۴۸ – ۲۵۹	۸۷۲

نام امیر	هجری	میلادی
طاهر ذوالیمینین	۲۰۵	۸۲۰
طلحه	۲۰۷	۸۲۲
عبدالله	۲۱۳	۸۲۸
طاهر دوم	۲۳۰	۸۴۴
محمد	۲۴۸ – ۲۵۹	۸۷۲

۲- صفاریان (۳۹۳-۲۴۷ق): به سبب ضعفِ خلافتِ عباسی - به ویژه اشتغال آن به قیام زنگیان- یعقوب بن لیث صفاری بر سیستان و بخش وسیعی از مناطق شرق ایران چیره شد. حرکت‌های بعدی او تا تصرف اهواز ادامه یافت و در حالی که قصد تصرف بغداد را داشت، از سپاه عباسیان به سختی شکست خورد. وی

در سال ۲۶۵ق در گذشت. خلافت عباسی تلاش کرد با ایجاد زمینه‌های درگیری میان صفاریان و سامانیان، این حکومت را نابود کند. با این حال، این دولت توانست تا سال ۳۹۳ق به صورت غیر مستقل ادامه حیات دهد. در طول این مدت هفت نفر به حکومت دست یافتند.

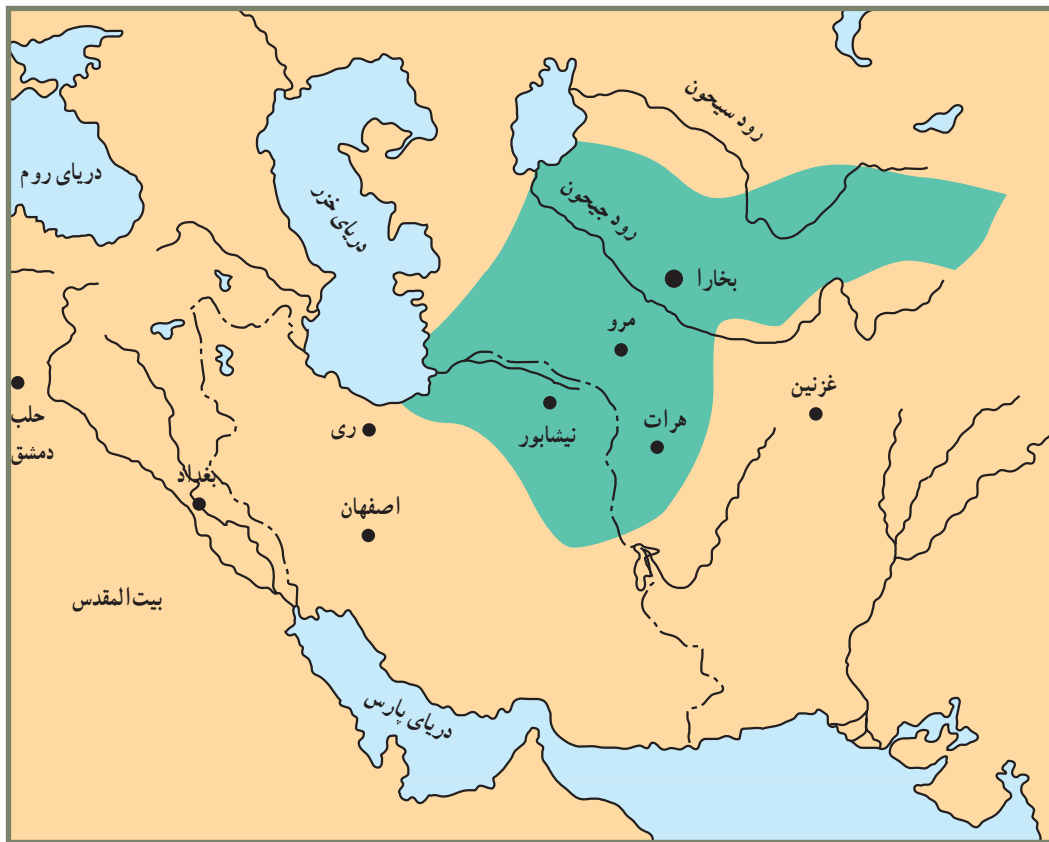
نام امیر	هجری	میلادی
یعقوب لیث	۲۴۷	۸۶۸
عمرو لیث	۲۶۵	۸۷۸
طاهر بن محمد	۲۸۷	۹۰۰
لیث	۲۹۶	۹۰۸
محمد، معدل	۲۹۷	۹۱۰
عمرو دوم	۲۹۸	۹۱۷
ابو جعفر احمد	۳۱۱	۹۲۳
خلف بن احمد	۳۵۳	۹۶۳
انقراض سلسله صفاری	۳۹۳	۱۰۰۳

امیران سلسله صفاری

۳- سامانیان (۳۸۹-۲۶۱ق): این حکومت در ماوراءالنهر ایجاد شد و به خراسان گسترش یافت. مؤسس آن چهار برادر به نام‌های نوح، احمد، یحیی و الیاس بودند.^۱ اینان در سرکوبی حرکت رافع بن لیث نقش مؤثری ایفا کردند لذا مأمون، حکومت شهرهای مهم ماوراءالنهر را به آنان سپرد. در نزاع میان طاهریان و صفاریان، اینان از طاهریان حمایت کردند از این رو، طاهریان آنان را در مناصب خود ابقا کردند. پس از زوال حکومت طاهریان در ۲۵۹ق سامانیان مستقل شدند و مستقیماً، به نام خلافت

عباسی حکمرانی می‌کردند. خلفای عباسی نیز آنان را به رسمیت شناختند و منطقه آنان را از خراسان جدا کردند. این کار، بیشتر به منظور استفاده از سامانیان در آن سوی مرزها، برای مقابله با صفاریان بود. حکومت سامانی ۱۲۸ سال طول کشید و همواره به عنوان حکومتی فرمانبر، در خدمت خلافت عباسی بود و با حرکات معارض خلافت عباسی - همچون صفاریان و علویان طبرستان - مقابله کرد. ضمن اینکه اسلام را به مناطق دور دست شرقی نفوذ دادند. در این دوره، زبان فارسی تقویت شد.

۱- جد آنان، «سامان خدای» در زمان هشام بن عبدالملک مسلمان شد، سپس به ابو مسلم خراسانی پیوست.



سرزمین فرمانروایی سامانیان

نام امیر	هجری	میلا دی
اسماعیل اول	۲۷۹	۸۹۲
احمد بن اسماعیل	۲۹۵	۹۰۷
نصر دوم	۳۰۱	۹۱۳
نوح اول	۳۳۱	۹۴۲
عبدالملک اول	۳۴۳	۹۵۴
منصور اول	۳۵۰	۹۶۱
نوح دوم	۳۶۶	۹۷۶
منصور دوم	۳۸۷	۹۹۷
عبدالملک دوم	۳۸۹	۹۹۹

سامان	
اسد	
نوح احمد یحیی الیاس	
نصر اول ۱- اسماعیل اسحاق منصور	
۲- احمد	
۳- نصر دوم	
۴- نوح اول	
۶- منصور اول ۵- عبدالملک اول	
۷- نوح دوم	
۹- عبدالملک دوم ۸- منصور دوم اسماعیل	

امیران سلسله سامانی



مسجد ابن طولون - مکتب مصر (۲۶۵-۲۶۲ ق.هـ)
این مسجد نوعی الگوبرداری از مسجد بزرگ سامرا محسوب می‌شود

طولونیان (۲۹۲-۲۵۴ ق)

مؤسس این سلسله فردی موسوم به احمد بن طولون است. پدرش - طولون - برده‌ای بود که در سال ۲۰۰ ق از سوی حاکم بخارا - نوح بن اسد سامانی - به مأمون اهدا شد. با مرگ پدرش، مادر او، با یکی از امیران ترک در دربار عباسی - موسوم به بایکباک - ازدواج کرد. از آنجا که خلیفه عباسی (معتز) حکومت مصر را به بایکباک واگذار کرده بود، این اقدام زمینه‌ای برای نفوذ ابن طولون در مصر شد و سرانجام، توانست حکومت آنجا را به دست آورد. وی با اصلاحاتی که انجام داد نزد مصریان محبوبیت یافت. او توانست قلمرو خود را تا شام و حجاز نیز گسترش دهد که به درگیری با موفق عباسی منجر شد. ابن طولون در ۲۷۰ ق مُرد و پسرش - خُمارویه - به جای او نشست. او در سال ۲۸۲ ق به دست بعضی از غلامانش در دمشق کشته شد و پس از او، طولونیان رو به ضعف نهادند تا آنکه در ۲۹۲ ق، با حمله خلیفه عباسی - مکتفی - به مصر، این حکومت نابود شد.

جدول امیران بنی طولون (طولونیان)

سال خلافت	نام امیر	ردیف
۲۷۰ - ۲۵۴ ق	احمد بن طولون	۱
۲۸۲ - ۲۷۰ ق	خمارویه بن احمد	۲
۲۸۳ - ۲۸۲ ق	جیش بن خمارویه	۳
۲۹۲ - ۲۸۳ ق	هارون بن خمارویه	۴
۲۹۲ ق	شعبان بن احمد	۵

اِخْشِیدِیَان (۳۵۸-۳۲۳ق)

با زوال طولونیان، مصر به آغوش خلافت عباسی بازگشت و عباسیان از طریق تعیین حاکمان به طور مستقیم بر آن حکم می‌راندند، اما بار دیگر، خلافت در دورهٔ مقتدرِ عباسی (۳۲۰-۲۹۵ق) دچار ضعف و سستی شد. حاکمان و مأموران مالیات در مصر به رقابت مشغول بودند و فاطمیان نیز قصد اشغال مصر را داشتند و این، حاکمی نیرومند را می‌طلبید تا اوضاع مصر را سامان بخشد. بدین جهت، خلیفهٔ راضی (۳۲۹-۳۲۲ق)، یکی از ترکان به نام محمد بن طغج بن جف را در سال ۳۲۳ق حاکم مصر کرد. موفقیت او در ادارهٔ مصر موجب شد، خلیفه او را به حکومت شام نیز نصب کند و به وی لقب «اِخْشِید»^۱ دهد. وی پس از یک دوره تلاش‌های سیاسی و نظامی، در سال ۳۳۴ق درگذشت. پس از او، دو فرزندش - انوجور و علی - به ترتیب تا سال ۳۴۹ و ۳۵۵ق حکومت کردند و غلامِ کاردانِ اخشید - موسوم به کافور - نیز وصی آن‌ها بود؛ از این رو، پس از این دو، کافور به حکومت رسید. وی نیز در سال ۳۵۷ق درگذشت. پس از او، اوضاع در مصر نابسامان شد و فاطمیان در سال ۳۵۸ق آن را تصرف کردند.

جدول امیران اِخْشِیدِی (اِخْشِیدِیَان)

سال خلافت	نام امیر	ردیف
۲۳۴ - ۲۲۳ق	محمد بن طغج معروف به اخشید	۱
۲۴۹ - ۲۳۴ق	انوجور بن محمد	۲
۳۵۵ - ۲۴۹ق	علی بن محمد	۳
۳۵۷ - ۳۵۵ق	کافور خادم اخشید	۴
۳۵۸ - ۳۵۷ق	احمد بن علی	۵

فکر کنید و پاسخ دهید

آیا می‌توانید با توجه به تنوع قومی و منطقه‌ای حکومت‌هایی که برشمردیم، تصویری از گسترهٔ حکومت مسلمانان در عصر بنی‌عباس ترسیم کنید؟

آل بویه در بغداد (۴۴۷-۳۳۴ق)

علی، حسن و احمد داشت. علی از بقیه بزرگتر بود و توسط «مرداو یح زیاری»^۲ حاکم سرزمین کرج^۳ شد. وی وی ماهیگیری فقیر از اهالی دیلم بود و سه پسر به نام‌های

۱- اِخْشِید، کلمه‌ای است فارسی و به معنای شاهنشاه؛ و لقب شاهان فرغانه بود. گفتنی است محمد بن طغج خودش اهل فرغانه بوده است.

۲- وی پایه‌گذار حکومت مستقل آل زیار در طبرستان، به سال ۳۱۶ق بود.

۳- کرج، شهری بود در میانهٔ راه همدان و اصفهان، که ابودلف آن را بنا کرد و بدین جهت، به کرج ابودلف مشهور شد؛ یاقوت حموی، معجم البلدان،

گرایش به تشیع اثنی عشری پیدا کردند. آنان ضمن حفظ خلافت عباسی، تلاش کردند نمادها و مظاهر مذهب تشیع را آشکار کنند. آنان در دورهٔ بیش از یک قرن حاکمیت خود مراسمی همچون جشن عید غدیر، عزاداری علنی روز عاشورا^۱ و بازگرداندن «حی علی خیر العمل»^۲ به اذان را ترویج کردند. آل بویه در اواخر حاکمیت خود گرفتار ضعف و اختلاف شدند و سرانجام در سال ۴۴۷ق، با ورود طغرل بیک سلجوقی به بغداد سقوط کردند.

رفته رفته به حکومتش رسمیت بخشید و قلمرو خود را تا اصفهان، ری، همدان، کرمان، فارس و اهواز گسترش داد. سپس به علت زلزله و سستی موجود در دستگاه خلافت عباسی که در پی سیطرهٔ ترکان بر امور خلافت ایجاد شده بود، آل بویه در سال ۳۳۴ق وارد بغداد شدند و خلیفهٔ عباسی پس از استقبال از آنان، به هر یک از سه برادر لقبی داد، احمد؛ معزالدوله، علی؛ عمادالدوله و حسن؛ رکن الدوله لقب گرفتند.

آل بویه شیعهٔ زیدی مذهب بودند که رفته رفته

امرای بویه در بغداد

۱- معزالدوله ابوالحسن احمد (۳۵۶-۳۴۳ق)	۲- عزالدوله ابومنصور بختیار (۳۶۷-۳۵۶ق)	۳- عضدالدوله ابوشجاع فناخسرو (۳۷۲-۳۶۷ق)
۴- صمصام الدوله ابوکالیجار مرزبان (شوال ۳۷۲ق)	۵- شرف الدوله ابوالفوارس شیردل (۳۷۹-۳۷۲ق)	۵- بهاءالدوله ابونصر فیروز (۴۰۳-۳۷۹ق)
۶- سلطان الدوله ابوشجاع (۴۱۲-۴۰۳ق)	۷- مشرف الدوله ابوعلی الحسن (۴۱۶-۴۱۲ق)	۸- جلال الدوله ابوطاهر عماد الدین (محمی الدین) (۴۳۵-۴۱۶ق)
۹- ابوکالیجار مرزبان (۴۴۰-۴۳۵ق)	۱۰- الملک الرحیم ابونصر خسرو فیروز (۴۴۷-۴۴۰ق)	

فاطمیان و عباسیان

تأسیس شد و تا سال ۳۶۲ق در همین ناحیه بودند تا آنکه با تصرف مصر، مرکز حکومتشان را به شهر قاهره منتقل کردند. دولت فاطمی تا سال ۵۶۷ق ادامه یافت و سرانجام صلاح الدین ایوبی آن را سرنگون کرد. فاطمیان از آغاز تشکیل دولت در مغرب، روابطی خصمانه با عباسیان داشتند و همچون عباسیان مدعی خلافت بر سراسر قلمرو

در سال ۲۹۷ق، دولتی در شمال آفریقا پدید آمد که مروج مذهب شیعهٔ اسماعیلیه بود. مؤسس این دولت «عبید الله بن مهدی» است که مدعی بود از نسل امام صادق علیه السلام است؛ بدین لحاظ، دولتی که بنا نهاد به «دولت فاطمیان» معروف شد. این دولت در ناحیهٔ «قَیْرَوَان» از مغرب^۳

۱- برای اولین بار، با تلاش آل بویه، دسته‌های عزاداری در روز عاشورا به صورت علنی به راه افتاد و مردم با چهره‌های سیاه شده و موهای پریشان بر سینه زده و اشعار حزن انگیز می خواندند؛ ابن جوزی، المنتظم فی تاریخ الامم، ج ۱۴، ص ۱۵۰؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۳۳۱.
 ۲- این بخش از اذان، توسط خلیفهٔ دوم حذف شده بود؛ زیرا وی مدعی بود مردم به تصور آنکه نماز بهترین کار است، به جهاد نمی روند؛ بنگرید به: فضل بن شاذان، الايضاح، ص ۲۰۱-۲۰۲ و شیخ صدوق، علل الشرايع، ج ۲، ص ۳۶۸.
 ۳- مراکش امروزی.

اسلامی بودند. آن‌ها تلاش می‌کردند در قلمرو عباسیان نفوذ کنند و عباسیان نیز به علت ضعف، حالت دفاعی گرفته بودند. محورهای اصلی عملکرد فاطمیان نسبت به بنی عباس عبارت بود از:

- ۱- نفوذ در قلمرو خلافت عباسی، از طریق ارسال داعیان (مبلغان اسماعیلیه) و انجام عملیات سیاسی و نظامی
- ۲- حذف نفوذ معنوی عباسیان و کاستن از اعتبار

و مشروعیت حکومت عباسی

- ۳- مقابله با شعائر مذهبی اهل سنت که بنی عباس مدعی آن بودند. بدین جهت، فاطمیان دست به اقداماتی زدند نظیر: حذف نماز تراویح و بدعت شمردن آن^۱، تأکید بر صلوات بر اهل بیت رسول خدا ﷺ، برتر دانستن امام علی علیه السلام بر دیگر صحابه، بازگرداندن «حی علی خیر العمل» به اذان و ...

جدول خلفای فاطمی

ردیف	نام خلیفه	سال خلافت
۱	عبیدالله المهدي	۳۲۲-۲۹۷ق
۲	ابوالقاسم محمد (القائم)	۳۳۴-۳۲۲ق
۳	ابوظاهر اسماعیل (المنصور)	۳۴۱-۳۳۴ق
۴	ابوتمیم مُعد (المعز)	۳۶۵-۳۴۱ق
۵	ابومنصور نزار (العزیز)	۳۸۶-۳۶۵ق
۶	ابوعلی المنصور (الحاکم)	۴۱۱-۳۸۶ق
۷	ابوالحسن علی (الظاهر)	۴۲۷-۴۱۱ق
۸	ابوتمیم مُعد (المستنصر)	۴۸۷-۴۲۷ق
۹	ابوالقاسم احمد (المستعلی)	۴۹۵-۴۸۷ق
۱۰	ابوعلی المنصور (الآمر)	۵۲۴-۴۹۵ق
دورهٔ فترت از ذی القعدة ۵۲۴ تا محرم ۵۲۵ که الحافظ نایب السلطنه بود		
۱۱	ابوالمیمون عبدالمجید (الحافظ)	۵۴۴-۵۲۵ق
۱۲	ابوالمنصور اسماعیل (الظافر)	۵۴۹-۵۴۴ق
۱۳	ابوالقاسم عیسیٰ (الفاتر)	۵۵۵-۵۴۹ق
۱۴	ابومحمد عبدالله (المعاضد)	۵۶۷-۵۵۵ق

اما واکنش بنی عباس در برابر فاطمیان چنین بود:

- ۱- بهره‌گیری از ابزار سیاسی و نظامی برای کاستن از توسعهٔ قلمرو فاطمیان
- ۲- تهاجم به عقاید دینی آنان و تحریک اهل سنت

بر ضد فاطمیان

- ۳- انکار نسب فاطمیان از طریق جعل و ترویج روایاتی که نسب آنان را به کسی غیر از امام علی علیه السلام و حضرت فاطمه سلام الله علیها می‌رساند.

۱- نماز تراویح، نمازهای مستحبی شب‌های ماه رمضان است. شیعیان معتقدند بر اساس تعالیم اهل بیت، اقامهٔ نماز مستحبی به جماعت جایز نیست،

ولی خلیفهٔ دوم در دورهٔ خلافتش دستور داد آن را به جماعت اقامه کنند؛ بنگرید به: امینی، الغدير، ج ۵، ص ۳۱.

عباسیان و حکومت‌های ترک‌نژاد

که به علت تعصب نسبت به مذهب اهل سنت، خلافت عباسی را به رسمیت شناختند و خود را دست‌نشاندهٔ خلیفهٔ عباسی دانستند.

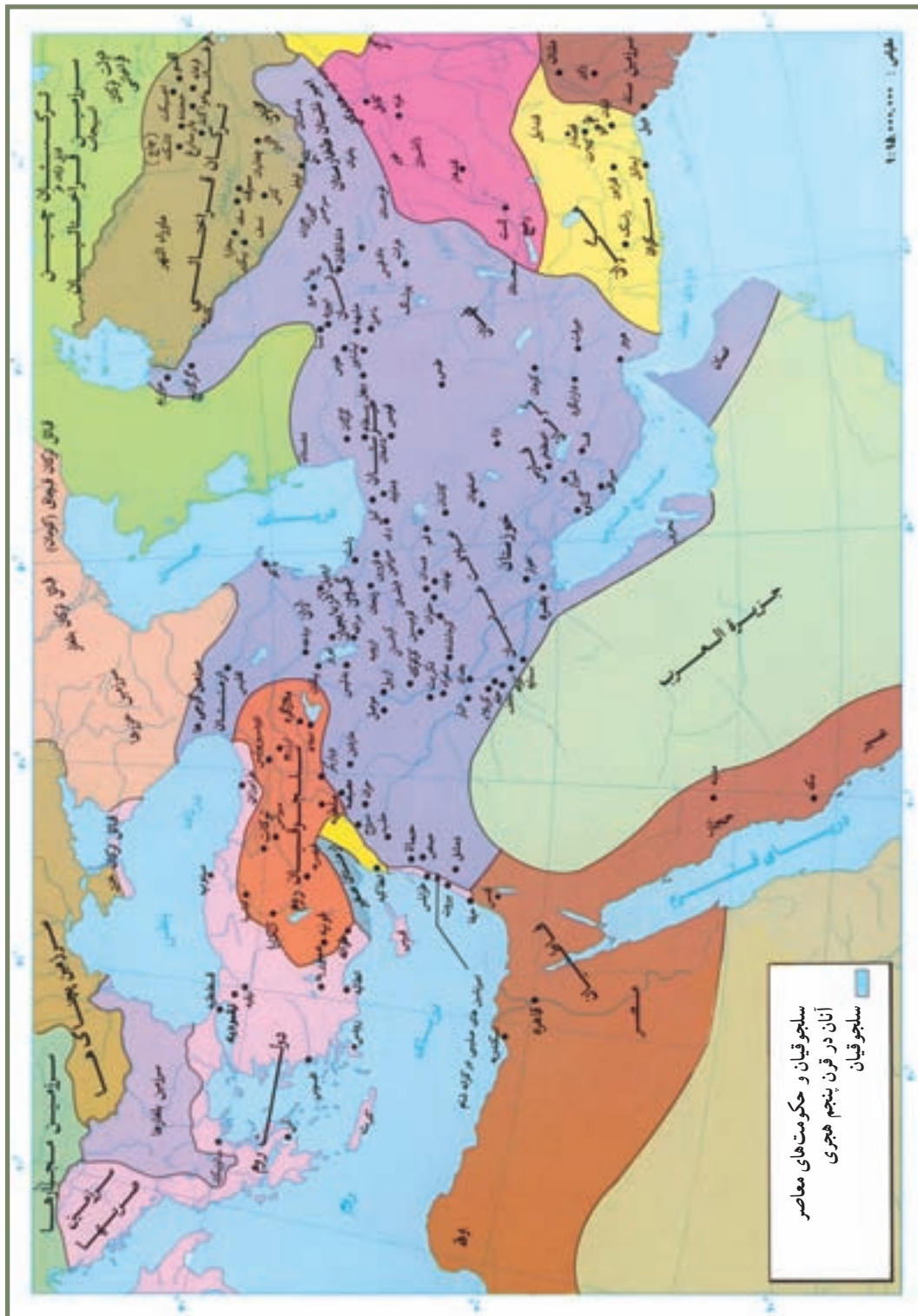
عباسیان در دو سدهٔ اخیر حکومتشان، با چند حکومت ترک‌نژاد مواجه بودند. نخست با غزنویان



قلمرو غزنویان در زمان سلطان محمود

حکومتشان را در سال ۴۲۹ق در خراسان برپا کردند. آنان موفق شدند در سال ۴۴۷ق به دعوت خلیفهٔ عباسی وارد بغداد شوند و آل‌بویه را براندازند. روابط آنان با خلیفهٔ عباسی در آغاز، حسنه بود؛ زیرا - برخلاف آل‌بویه - به لحاظ مذهبی، با خلیفهٔ عباسی هم عقیده بودند؛

در اواسط دورهٔ حاکمیت غزنویان، سلاجقه سربرآوردند. مسکن اصلی آنان صحراهای وسیع چین تا سواحل دریای خزر بود. در سال ۳۷۵ق به علت وضع بد اقتصادی و درگیری‌های قبایل، از وطن خود کوچ کردند و پس از یک سلسله درگیری‌ها با غزنویان،



اما رفته رفته، خلفای عباسی نسبت به اقتدار سلاجقه و دست اندازی آنان به مراکز قدرت بدبین شدند. آنان تلاش کردند خود را از حصار قدرت سلاجقه برهانند؛ تا اینکه در دوران خلافت «الناصرلدين الله» (۶۲۲ – ۵۷۵ ق) خلفای عباسی کاملاً از سلاجقه مستقل شدند و قدرت و نفوذ خلافت، دوباره به اوج خود رسید و قدرت سلاجقه، با مرگ طغرل سوم در سال ۵۹۰ ق، از عراق و غرب ایران برچیده شد.

سلاجقیان و حکومت های معاصر آنان در قرن نهم هجری

سقوط خلافت عباسی

در آمد و خلیفه عباسی با وعده امان هلاکو، خود را تسلیم کرد، اما به قتل رسید و با مرگ او، خلافت عباسی پس از متجاوز از پنج قرن حکومت بر مسلمانان، سقوط کرد. عوامل سقوط بغداد به طور خلاصه از این قرار است:

- ۱- ضعف و سستی خلافت عباسی بر اثر رقابت‌ها، اختلافات و درگیری‌ها
- ۲- رواج فساد و عیاشی در میان خلفای عباسی و درباریان و فقدان آمادگی لازم نظامی
- ۳- تحریک مغولان توسط مسیحیان (در ادامه جنگ‌های صلیبی) برای نابودی حکومت مرکزی مسلمانان
- ۴- بی‌توجهی خلیفه عباسی به خیرخواهی وزیر شیعی مذهبش - ابن‌علقمی - مبنی بر ارسال هدایایی برای هلاکو. خلیفه عباسی به جای این کار، دو نامه تهدیدآمیز برای هلاکو ارسال کرد!

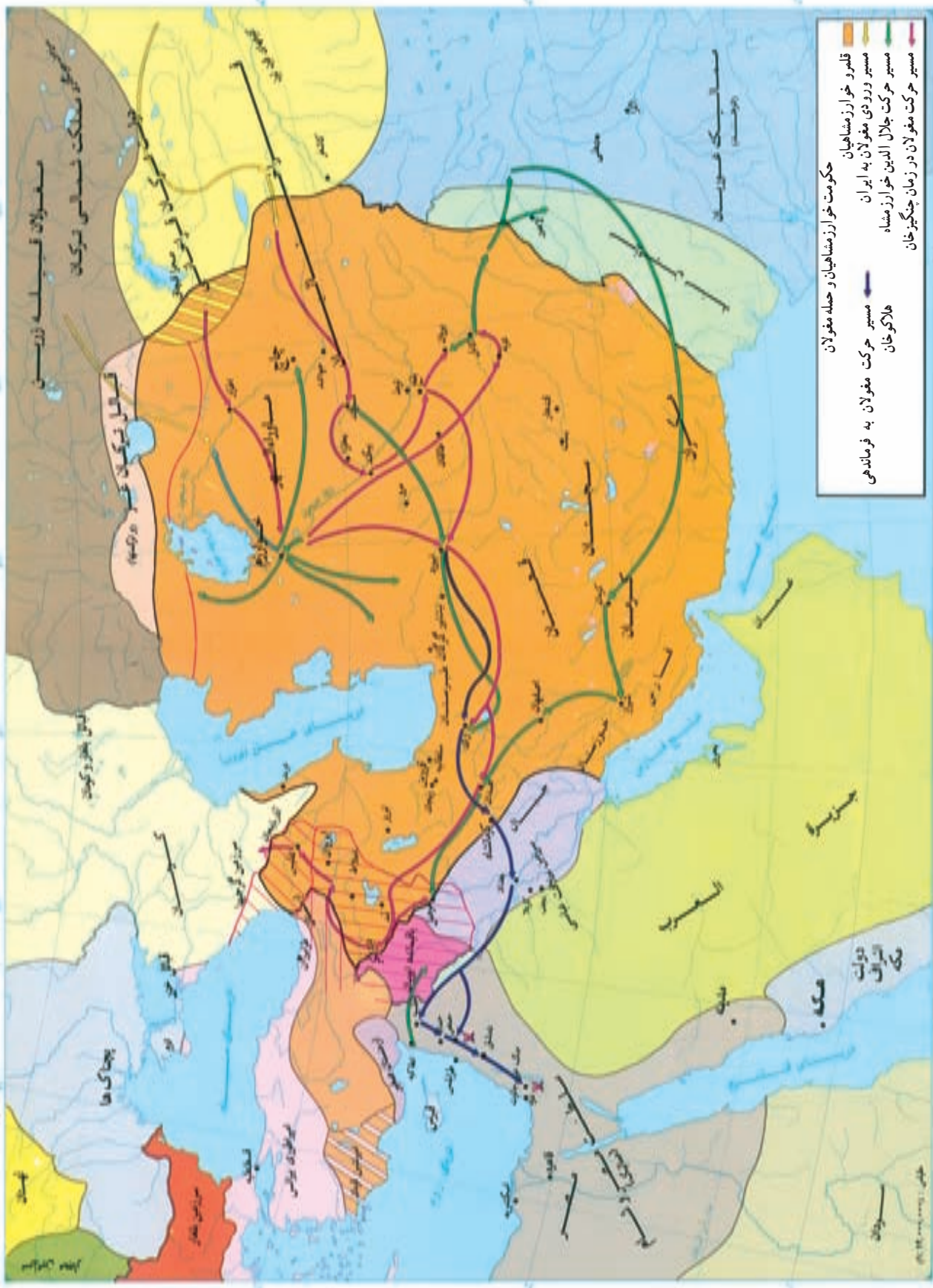
در سال ۶۵۶ق شهر بغداد شاهد رخدادی بزرگ بود. مغولان به رهبری هلاکوخان - نواده چنگیزخان - پس از فتح نواحی مختلف ایران، آمده بودند تا خلافت عباسی را سرنگون کنند. آخرین خلیفه عباسی - «مستعصم» - به جدی نبودن در اداره کارهای مردم شهره بود؛ از این رو، آمادگی لازم برای دفع حملات مغولان را نداشت. هلاکوخان پس از پیروزی بر اسماعیلیه در ایران، و تصرف قلعه الموت، نامه‌ای تهدیدآمیز به خلیفه عباسی نوشت تا تسلیم شود. خلیفه نیز جواب ردی همراه با تهدید فرستاد و در ادامه، نامه تهدیدآمیز دیگری ارسال کرد! و این، درحالی بود که ابن‌علقمی - وزیر شیعه مذهب مستعصم - اصرار داشت که خلیفه با ارسال هدایایی، شتر مغولان را کم کند، اما بعضی از صاحب‌منصبان با این نظر مخالفت کردند و خلیفه نیز چنین کرد. سرانجام، بغداد به محاصره مغولان

محله کرخ بغداد

شهر بغداد مشتمل بر دو بخش شرقی و غربی بود. در بخش شرقی، محله رصافه و در بخش غربی، محله کرخ قرار داشت. رصافه، سُنی نشین و کرخ شیعه نشین بود. رصافه را منصور عباسی، در سال ۱۵۱ق به منظور سکونت فرزندش - مهدی - و استقرار سپاه بنا کرد. در سال ۱۵۷ق منصور تصمیم گرفت بازار را از بخش مرکزی بغداد به محله کرخ انتقال دهد. محله کرخ، پیش از بنای بغداد روستایی بود. با بنای شهر بغداد و با انتقال بازار به آن، این محله رونق بیشتری گرفت. محله کرخ بغداد، شهرت خود را مرهون حضور شیعیان در آن است. اینکه شیعیان از چه تاریخی در کرخ مستقر شده‌اند، دقیقاً معلوم نیست؛ اما تردیدی نیست که وجود مزار دو امام معصوم شیعیان، یعنی امام کاظم و امام جواد علیهما السلام در این محله، نقش مهمی در جذب شیعیان به آنجا داشته است. این محله پس از دفن این دو امام در آنجا، به کاظمین معروف شد. رفته رفته دانشمندان برجسته‌ای از شیعه همچون شیخ مفید، سید مرتضی، سید رضی و شیخ طوسی در این محله مستقر شدند و حوزه دینی دایر کردند. ساکنان سُنی مذهب و متعصب محله رصافه درگیری‌های زیادی با شیعیان کرخ داشتند که منجر به آتش‌سوزی‌های مکرر در این منطقه شده است. امروزه مزار امام هفتم و نهم و نیز مزار شیخ مفید، سید مرتضی و سید رضی در این مکان مورد زیارت مشتاقان است.

حکومت خوارزمشاهیان و حمله مغولان

█ قلمرو خوارزمشاهیان
█ مسیر ورودی مغولان به ایران
█ مسیر حرکت جلال الدین خوارزمشاه
█ مسیر حرکت مغولان در زمان چنگیزخان
█ مسیر حرکت مغولان به فرماندهی
█ هلاکو خان



- ۱- دوره‌های خلافت عباسی را بیان کنید.
- ۲- ترکان چرا و چگونه توانستند بر دستگاه خلافت عباسی مسلط شوند؟
- ۳- از قیام‌های دورهٔ اوّل خلافتِ عباسی، یک مورد را توضیح دهید.
- ۴- یکی از حکومت‌های متقارن با خلافت عباسی را معرفی کنید.
- ۵- آل بویه چگونه به قدرت رسیدند و رفتار آنان با خلافت عباسی چگونه بود؟
- ۶- رفتار دولت فاطمی با خلافت عباسی و واکنش متقابل عباسیان را بیان کنید.
- ۷- حکومت‌های ترک‌نژادِ معاصر خلافت عباسی را معرفی کنید.
- ۸- چگونگی و عوامل سقوط بغداد را بیان کنید.

اندیشه و جست و جو

- ۱- دربارهٔ رفتارهای خشن ترکانِ ماوراءالنهر در دربار عباسی، پژوهشی تهیه کنید.
- ۲- دربارهٔ رسمیت یافتن عزاداری برای امام حسین علیه السلام توسط آل بویه و چگونگی انجام آن گزارشی تهیه کنید.